

بیانیه مشترک وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه

مداخلات امریکا در اغتشاشات اخیر کشور

اولین بیانیه مشترک وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پیرامون «مداخلات رژیم امریکا در اغتشاشات اخیر کشور» منتشر شد. متن این بیانیه به شرح ذیل است:

«باسمه تعالی»

بیانیه تبیینی مشترک وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران؛ پیرامون «مداخلات رژیم امریکا در اغتشاشات اخیر کشور» با عرض تسلیت شهادت جمعی از هموطنان در حرم حضرت احمد بن موسی (علیه السلام) و شهدای امنیت کشور و دعای متضرعانه در محضر خدای سبحان برای علو درجات آن شهدا و صبر و اجر برای بازماندگان داغدار آنها و شفای کامل و عاجل مجروحین و آسیب دیدگان واقعه تروریستی آن حرم مطهر، همراه با عهده‌ای از سوی خدای وجود با آن شهدا و با خدای عزوجل بر پیگیری اطلاعاتی همه‌جانبه، دقیق و با تمام توان تا کشف و مجازات کلیه عوامل این جنایت وحشیانه و حامیان آنها، در هر زمان و هر مکان که باشند، به استحضار ملت شریف ایران می‌رساند؛ در مورد ابعادی از اغتشاشات اخیر، پیش از این و طی بیانیه تبیینی مورخ 8 مهر ماه گذشته، اطلاعات و توضیحاتی ارائه شد. اینک با حصول اطلاعات متقن و جدید، همچنین با رفع محذورهای حفاظتی و امنیتی از بخش دیگری از اطلاعات موجود، توضیحات بیشتری را به آگاهی مردم سربلند ایران اسلامی می‌رساند و در این راستا، پیشاپیش توضیح سه نکته را ضروری می‌داند:

نخست) در بیانیه حاضر، اتقان داده‌ها و مستند بودن آنها مورد تاکید ویژه‌ای بوده است. بنابراین نهایت تلاش به کار رفته تا اطلاعات حاصله از روش‌های مختلف اطلاعاتی در اینجا عرضه شوند.

دوم) بر اساس اطلاعات موجود، محرز شده است که زمینه‌سازی، مقدمه‌چینی و نیز بخش مهمی از عملیات اجرایی آشوب‌های اخیر توسط سرویس‌های جاسوسی بیگانه در قالب بسته‌های طراحی و به واسطه برخی گروه‌ها و شبکه‌های مرتبط با آنها به روش‌های مختلف درون کشور

پیاده‌سازی شده است؛ از سوی دیگر واقعیت مهم دیگری نیز وجود دارد مبنی بر اینکه این سرویس‌ها در عملیات اخیر خود تلاش کرده‌اند از بسترها و زمینه‌های برخی نارضایتهای موجود در جامعه سوءاستفاده کرده و حتی‌المقدور پروژه‌های اطلاعاتی خود را بر سوءاستفاده از این بسترها و زمینه‌ها استوار سازند.

رصد‌های دقیق و مستمر اطلاعاتی در بیش از یکسال گذشته، همچنین مستندات موجود از مقطع اغتشاشات اخیر و نیز اطلاعات به دست آمده از سناریوهای دشمن برای مقطع پسا بحران، مصادیق فراوان و استنادات غیرقابل انکاری از نقش‌آفرینی همه‌جانبه رژیم تروریستی امریکا در طراحی، اجرا و استمرار غائله مذکور دارد. بنابراین تمرکز مبنایی بیانیه حاضر بر نقش رژیم مافیایی امریکا، هم‌پیمانان و پیاده نظام‌شان در اغتشاشات اخیر کشور، در سه مقطع پیش، حین و پسا آشوب‌های کشورمان می‌باشد.

بخش اول) مرحله پیش از آشوب

رژیم سفاک امریکا در وقایع اخیر با مستمسک قرار دادن ماجرای دردناک و پیش از اعلام نتایج تحقیقات (درگذشت مرحومه امینی)، با نوعی شعف و خرسندی پنهان ناشدنی که در کلیه سخنان و موضع‌گیری‌های مقامات آن رژیم موج می‌زد، یک پروژه از پیش طراحی و آماده شده (و حتی چند نوبت به تعویق افتاده) را آغاز کرد. بدیه است که رژیم امریکا اساساً نسبت به رویدادهای جهان نگاه ابزاری و سوءاستفاده‌گر دارد. این درحالی است که آن رژیم درخصوص رویدادی عمدی، قطعی، دردناک، آشکار و ضدحقوق بشری همچون قتل فجیع و مؤثله‌کردن وحشتناک جمال خاشقچی که به اذعان خودشان اقدامی تعمدي از سوی رژیم بدوي آل سعود بود و به وحشیانه‌ترین شکل ممکن روی داد، بسیار آسان و سریع از کنار آن گذر کرد.

همچنین است موضع آن رژیم در قبال قتل عمد (و نه فوت ناگهانی) خانم شیرین ابوعاقله توسط صهیونیست‌های خون‌خوار، که با بی‌تفاوتی کامل دولت تروریست‌پرور امریکا مواجه شد. از همین قبیل است قتل‌های وحشیانه رنگین‌پوستان امریکا توسط پلیس نژادپرست آن رژیم که روزانه به چندین جنایت منجر می‌شود و تنها تعدادی از آنها که تصویربرداری شده‌اند، به اطلاع عموم می‌رسند.

مستندات اطلاعاتی موجود نشان می‌دهند سرویس جاسوسی سیا (C.I.A) با همکاری سرویس‌های جاسوسی هم‌پیمان و نیابتی‌های مٌرتجع، پیش از آغاز آشوب‌ها، به شیوه‌هایی که اشاره خواهد شد برای راه‌اندازی یک غائله سراسری در ایران با هدف ارتکاب جنایت علیه ملت بزرگ ایران و تمامیت ارضی کشور و نیز زمینه‌سازی برای تشدید فشارهای خارجی،

طراحی مبسوطی به عمل آورده بود.

طبق اطلاعات موجود نقش اصلی را در این میان آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (C.I.A) به عهده داشت و از همکاری نزدیک سرویس اطلاعات خارجی انگلیس خبیث، سرویس اطلاعات خارجی رژیم کودک^۱ کش صهیونیستی (موساد) و سرویس اطلاعات خارجی اشرافیت بدوی آل سعود و چند کشور دیگر برخوردار بود. اطلاعات معتبری در اختیار است که برنامه^۲ ریزی و اجرای عملیاتی بخش عمده آشوب^۳ها توسط سرویس موساد با همکاری شقی^۴ترین گروهکهای تروریستی صورت گرفته است.

شایان ذکر است که پیش از حادثه اخیر و از سال گذشته، ائتلاف مذکور، موضوعات و مناسبت^۵های دیگری را برای آغاز آشوب^۶ها طراحی کرده بودند که با الطاف حضرت احدیت و تلاش^۷های سربازان گمنام امام زمان (عج) و جامعه اطلاعاتی پرافتخار کشور خنثی شده بودند؛ مقاطعی همچون سالگرد برخی وقایع سال^۸های گذشته، مقطع اجرای طرح بزرگ و ملی مردمی^۹سازی یارانه^{۱۰}ها در اوایل سال جاری و پروژه آمریکایی کشف حجاب در 21 تیر ماه گذشته و...

اما برخی اقدامات سرویسهای جاسوسی فوق^{۱۱}ال اشاره برای زمینه^{۱۲}سازی آشوبها به شرح ذیل بوده است:

1- تاسیس شبکه «سازمانهای همدستان»

دولت تروریستی آمریکا پس از ناامیدی از مقابله با ملت^{۱۳} بزرگ ایران در عرصه^{۱۴}های نظامی و تحریم^{۱۵}های ظالمانه و غیر انسانی، در سال^{۱۶}های اخیر با به کارگیری شبکه^{۱۷}ای خبیث از سازمانهای موسوم به همدستان (1) برای شبکه^{۱۸}سازی و نفوذ در بخش^{۱۹}های اجتماعی سرمایه^{۲۰}گذاری نموده است. سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی آمریکا در پوشش فعالیت^{۲۱}های حقوق بشری و ترویج دموکراسی، با اختصاص میلیاردها دلار بودجه در سال تلاش کردند عناصر مستعد را شناسایی و به شبکه^{۲۲}های همسو و غربگرا متصل نمایند. این شبکه نفوذی به عنوان پیاده نظام تغییرات اجتماعی، وظیفه ایجاد مطالبات کاذب، انحراف در مطالبات مردمی و تحریک عمومی برای ایجاد نارضایتی را برعهده دارند.

در سال^{۲۳}های اخیر بخش^{۲۴}هایی از این شبکه در سطوح و اصناف مختلف شناسایی و با همکاری جامعه اطلاعاتی کشور مورد برخورد قرار گرفتند. با ضربه به زنجیره تامین مالی و شناسایی عناصر این شبکه نفوذی در رسانه^{۲۵}ها و سایر بخش^{۲۶}ها، پروژه محوری دولت دژخیم آمریکا در دولت ترامپ برای ایجاد اعتراضات گسترده با شکست روبه رو شد. با این حال دشمن طی ماههای اخیر با صرف بودجه مضاعف و به کارگیری روشهای متنوع تلاش نمود تا مجدداً زمینه شکل^{۲۷}گیری اغتشاش^{۲۸}ها را

فراهم نماید.

2- مصادیق تلاش امریکایی‌ها

برای شکل‌گیری و بحران‌سازی

در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی:

1/2- برگزاری نشست حقوق بشر اسلو

این نشست سوم تا پنجم خرداد ماه سال جاری با حمایت دولت امریکا و موسسات صهیونیستی در اسلو نروژ برگزار گردید. مهم‌ترین هدف این نشست، گستراندن پوشش به اصطلاح پشتیبانی از کمپین‌های موسوم به «حمایت از حقوق زنان و اقلیت‌ها در ایران» و ایجاد همگرایی بین این قبیل عناصر در ایران و افغانستان بوده است. منجمله در مذاکرات پنهان مقامات سیا در حاشیه این اجلاس با یکی از زنان مزدور (که از سخنرانان این نشست بود)، علاوه بر موضوع زنان، به لزوم بهره‌برداری از هر حادثه‌ای منجمله حادثه متروپل آبادان برای شکل‌گیری اعتراضات گسترده تاکید می‌نمایند! و البته آن عنصر ضدانقلاب پس از دریافت دستور از مقامات سازمان سیا در این زمینه بسیار تلاش کرد و تا مدت‌ها سوءاستفاده از حادثه غمبار برج متروپل آبادان را در دستور کار خود داشت.

2/2- القای بحران کارآمدی

عوامل امریکایی پس از حادثه ناگوار هواپیمای اوکراینی و نیز پس از واقعه متروپل آبادان، به عوامل رسانه‌ای خود تاکید داشتند از هر چالش و مشکلی برای القای بحران کارآمدی و استنتاج عدم مشروعیت نظام در عرصه داخلی و بین‌المللی استفاده نمایند. این خط ابلاغی عیناً، هم در نارسانه‌های امریکایی- انگلیسی- سعودی و نظایر آنها و هم در آشوب‌های اخیر از دنباله‌روان آن بلندگوها به کرات تکرار شد.

3/2- مطالبه‌سازی کاذب؛ با هدف پنهان کردن تاثیر تحریم‌های

ظالمانه

امریکایی‌ها با استفاده از شبکه نفوذی خود که بعضاً از عناصر تاثیرگذار اجتماعی بودند؛ تلاش کردند با مطالبه‌سازی کاذب در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، تاثیر تحریم‌ها بر زندگی مردم و کمبودهای موجود را به ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران منتسب نمایند. اطلاعات پنهان موجود نشان از طراحی موازی توسط مافیای رسمی امریکایی دارد. از یکسو اعمال شدیدترین تحریم‌های وحشیانه علیه ملت ایران و از سوی دیگر ابلاغ به رسانه‌های وابسته که برای کمبودها و مشکلات مردم اشک تمساح بریزند و هر مشکل و کاستی پدید آمده را به کارگزاران نظام نسبت دهند و البته، هر جا صحبت از

تعدیل تحریم‌ها کنند، آن را صرفاً در تقویت دسترسی به شبکه‌های اجتماعی امریکایی در فضای مجازی تعریف نمایند!

4/2- تمرکز بر اقشار به اصطلاح به حاشیه رانده شده

پس از اعتراضات سال 98، امریکایی‌ها بر ایجاد نارضایتی و تحریک اقشاری که «به حاشیه رانده شده» می‌خوانند، تمرکز بیشتری کردند. عوامل امریکایی ده‌ها پروژه که اسناد محرمانه آن کشف شده است در این زمینه طراحی نمودند تا به نوعی ظرفیت اقشار آسیب‌پذیر را برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران به‌کارگیری نمایند.

3- دوره‌های آموزش جنگ‌های ترکیبی و براندازی نرم

در بیانیه تبیینی مورخ 8 مهر ماه گذشته اشاره شد که سرویس‌های جاسوسی غربی و صهیونیستی دوره‌های «آموزش مربیان جنگ‌های ترکیبی» برای تعداد قابل توجه از عناصر مرتبط و از پیش نشان شده برگزار و به آنها مأموریت داده‌اند که آموخته‌ها را به دیگران منتقل و برمبنای آنها به صورت تشکیلاتی عمل نمایند. اکنون اضافه می‌شود که رصد دقیق اطلاعاتی تحرکات موسسات همکار ستاد نفوذ حریف در فضای حقیقی و مجازی نشان از برنامه‌ریزی جدی و مستمر با هدف تأثیرگذاری در لایه‌های مختلف اجتماعی به‌ویژه در حوزه‌های مربوط به زنان می‌باشد.

مأمورین رژیم دژخیم امریکا با برنامه‌های به اصطلاح «توسعه دموکراسی و آزادی» تحت پروژه‌های گوناگونی نظیر (2) POMED و (3) NERD و نظایر آنها، پیاده نظام اجاره‌ای خود را تأمین مالی می‌کنند، آموزش اقسام جنگ شهری و تکنیک‌های شورش اجتماعی می‌دهند، اراذل و اوباش را شناسایی و سازمانده کرده و به جان مردم و اموال آنها می‌اندازند و ازسوی دیگر توسط عوامل خود یا افرادِ غافل، هر آن کس که سناریوی فوق‌الذکر را کشف کند و آشکار نماید یا حتی مورد اشاره قرار دهد، بلافاصله به «توهم توطئه» منتسب می‌سازند. تا آنجا که شوربختانه، برخی خواص نیز به صورت آگاه یا ناآگاه گرفتار این دام شده و با جماعت پیشگفته هم‌نوا می‌شوند! شایان ذکر است مرکز فرمانده و هدایت اقدامات امریکا در عرصه نفوذ و جریان‌سازی، ضمن استقرار در وزارت امور خارجه آن کشور، از اطلاعات و ظرفیت سایر دستگاه‌های دولتی و اطلاعاتی جهت اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری می‌نماید. امریکایی‌ها به منظور جذب افراد مورد نظر خود، شبکه‌سازی از آنها و انتقال ایده‌های مبتنی بر ایجاد تغییرات اجتماعی در چارچوب اهداف پیشگفته، دوره‌های آموزشی متعددی را در کشورهای ثالث و بعضاً به صورت برخط برگزار نموده‌اند. موضوع حائز اهمیت آن است که غالباً

هماهنگی‌های مربوط به حضور عناصر تحت آموزش در کشورهای ثالث توسط افراد و سازمان‌های مجری، از طریق دفاتر و نمایندگی‌های وزارت امور خارجه رژیم مافیایی امریکا صورت می‌گیرد. اطلاعات معتبر موجود پیرامون برخی دیگر از ابعاد این دوره‌ها به شرح ذیل است:

1/3- متولي دوره‌های مذکور وزارت خارجه امریکا می‌باشد که از حمایت کامل سرویس جاسوسی C.I.A و تعداد معتنا به از موسسات، بنیادها، دانشگاه‌ها و اندیشکده‌های به اصطلاح غیردولتی استفاده می‌نماید. اطلاعات موثق حاکی است که رژیم غاصب صهیونیستی و تعدادی از کشورهای اروپایی، جملگی ذیل هدایت سیا با این پروژه همکاری می‌نمایند.

2/3- مفاد دوره‌ها در فشرده‌ترین تعبیر در چارچوب مولفه‌های «جنگ ترکیبی و براندازی نرم» تعریف می‌شود. ذیل این راهبرد، سرفصل‌هایی با اسامی و عناوین موجه و غالباً انسان‌دوستانه اما در عمل پی‌جوی راهبردها و خط‌مشی دولت و دستگاه‌های اطلاعاتی امریکا می‌باشند؛ همچون: شبکه‌سازی و کمپین‌سازی در موضوعات گوناگون و از عناصر مختلف، توانمندسازی زنان، تولید بهانه‌های حقوق بشری علیه ایران و گزارش به مبادی تعیین شده، توانمندسازی سندیکاها تحت امر، آموزش وجوه مختلف نافرمانی مدنی، پرورش رهبران جوان گوش به فرمان، کنشگری به اصطلاح مدنی، خبرنگاری و خبرسازی در دوره بحران، کنشگری در توسعه اجتماعی و مدنی، آموزش جنبش‌های آنلاین، آموزش امنیت ارتباطات در فضای مجازی، دوره‌های آموزش وکالت رایگان برای حمایت از همکاران پروژه‌های امریکایی، دوره آموزش‌های حمایتی از حقوق گروه‌های منحرف جنسی، آموزش روند مدیریت فرآیند مطالبه برای تغییر قوانین، راه‌اندازی کلینیک‌های حقوقی با هدف القای ناکارآمدی دستگاه قضایی، تعریف اقشار و نقش‌ها برای فعالین مدنی در چارچوب کودتاهای رنگین و پشتیبانی از اغتشاشگران خیابانی، ترویج شهروند خبرنگاری مورد نیاز امریکا، شبکه‌سازی از عناصر مشهور، همسو و تاثیرگذار اجتماعی و...

3/3- محل برگزاری دوره‌های آموزشی تاکنون کشورهای هم چون ترکیه، امارات، هلند، ارمنستان، گرجستان، مالزی، اندونزی، تایلند، جمهوری چک، آفریقای جنوبی، ایتالیا، جزیره سیشل (در اقیانوس هند) بوده که با آگاه یا بدون آگاه دولت‌های مذکور تشکیل داده‌اند. همچنان که ملاحظه می‌شود محل برگزاری دوره‌ها غالباً کشورهای توریستی است که برای سفر اتباع ایرانی نیازمند ویزا نباشند و در مواردی که ویزا لازم باشد، با حمایت نمایندگی‌های امریکا و تحت پوشش ویزاهای توریستی یا علمی اقدام می‌شود.

4/3- تعدادی از سازمان‌های برگزارکننده دوره‌ها تحت عناوین واقعی

یا جعلی همچون اتحاد برای ایران، عدالت برای ایران، آیرکس، خانه آزادی، اس‌مال مدیا، بنیاد سیامک پورزند، ائتلاف ایمپکت ایران، توانا تک، بنیاد عبدالرحمن برومند، کانون مدافعان حقوق بشر (به سرکردگی شیرین عبادی)، موسسه یلدا و افراد ایرانی خودفروخته شناسایی شده و عناصر امریکایی اطلاعاتی، نظامی و سیاسی بوده‌اند. موسسات و افراد پیش‌گفته هر کدام بر یک قشر و صنف و جنسیت تمرکز دارند.

5/3- هزینه دوره‌ها اعم از بلیت رفت و برگشت به کشور هدف، هزینه هتل محل اقامت، غذا و برنامه‌های تفریح و سرگرمی و هدایا توسط برگزارکنندگان دوره‌ها پرداخت می‌شود. مثلاً هزینه دوره آموزشی چند روزه برگزار شده در کشور گرجستان توسط عنصر آواره و عضو فراکسیون اصلاحات در مجلس ششم، فاطمه حقیقت‌جو پرداخت شده است! (به عبارت دقیق‌تر او صرفاً مامور پرداخت از طرف کارفرمای امریکایی بوده است).

6/3- گرچه این دوره‌ها بیش از هر کشوری علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شوند اما طبق اطلاعات موجود، حسب ضرورت (از نظر رژیم امریکا) و در مواردی که قصد م‌جاب‌سازی کشورهای دیگر را داشته باشند، از روش‌های مشابه علیه آنها استفاده می‌نمایند که تعدادی از مصادیق، در تبادلات اطلاعاتی با برخی کشورها، به اطلاع آنها رسیده و از این پس نیز حسب مورد به اطلاع آنها خواهد رسید.

7/3- با توجه به حضور منابع اطلاعاتی ما در تعدادی از دوره‌های فوق‌الاشاره لذا مفاد آموزشی دوره‌های مذکور و عناصر شرکت‌کننده در آنها در اختیار بوده، و بنا به ضرورت تعدادی از شرکت‌کنندگان بازداشت، تعدادی از آنها جلب همکاری و عده‌ای دیگر تحت نظر سربازان گمنام امام زمان (عج) می‌باشند و از ارتباطات آنها با مراکز مورد نظر برای حفظ اشراف اطلاعاتی استفاده می‌شود.

8/3- ردّ اطلاعاتی و عملیاتی تعدادی از عناصر مذکور در اغتشاشات اخیر و پیش از آن نیز مشاهده و حسب مورد اقدام مقتضی به عمل آمده است. به عنوان مثال انتشار اولین عکس از مرحومه امینی روی تخت بیمارستان توسط «ن.ح» صورت گرفت که از آموزش‌دیدگان همین دوره‌ها در خارج از کشور بود. او با استفاده از پوشش خبرنگاری از اولین افرادی بود که در بیمارستان حضور و استقرار یافته، به تحریک بستگان متوفی و ارسال اخبار جهت‌دار پرداخت. همچنین است اقدامات «الف.م» که با استفاده از همان پوشش با حضور فوری در شهرستان سقز، به تحریک اطرافیان مرحومه، کارگردانی برخی صحنه‌ها و انعکاس اخبار و تصاویر جهت‌دار از مراسم تشییع، تدفین و تجمعات شکل‌گرفته در آن شهر به ایفای مأموریت پرداخت. این فرد نیز

آموزش دیده دوره های رژیم مافیایی امریکا در کشورهای خارجی است؛ ضمن آنکه هر دو نفر نقش منابع اولیه خبرسازي براي رسانه های بیگانه را ایفا کرده اند.

در اینجا و به عنوان نمونه ای از کارکرد این موسسات و دوره های آموزشی، اشاره ای به اظهارات صریح مدیر موسسه اعانه ملي براي دموکراسي مي شود که بیانگر کارکرد اصلي و پشت پرده آنها مي باشد. وي مي گوید: «کاري که 25 سال قبل سازمان C.I.A به صورت پنهاني و با جاسوسي انجام مي داد، امروز ما از طريق موسسات و در بستر آموزش انجام مي دهيم!»

4 - نقش اندیشکده ها و موسسات امریکایی و غربی

طي ماه های گذشته، اندیشکده ها و موسسات امریکایی- صهیونیستی و غربی به نظریه پردازی و انگاره سازی پیرامون نقش زنان در حوادث پیش روی ایران پرداخته اند و این مبانی در محتویات محصولات آنان گفتمان سازی شده است. این اندیشکده ها به مثابه مغز متفکر جریان تحریف، با بزرگنمایی یا کوچک نمایی هدفدار وقایع در قالب توصیه نامه هایی که به دستور کار فرمایان خود ارائه مي دهند، بر حجم توهّمات مقامات رسمي امریکا نسبت به ماهیت وقایع مي افزایند. به عنوان نمونه به یکی از القائات اندیشکده میدل ایست (4) (MEI) اشاره مي شود. این اندیشکده در تاریخ 17 اسفند 1400 آورده است: «در شرایط کنونی ایران، جریانات مختلف سیاسی، از سوسیالیست ها گرفته تا لیبرال ها و از سلطنت طلب ها تا جمهوری خواهان، همگی با یکدیگر همکاری مي کنند تا جایگزینی جدي براي جمهوری اسلامي ایجاد نمایند و زنان نقش اصلي را در این تلاش ایفا مي کنند.»

اما غالباً ماموریت این اندیشکده ها با گذر از پوشش گفتمان سازی و ارائه توصیه نامه، با يك یا چند واسطه وارد حوزه های جنگ خیابانی مي شوند. نمونه آن بنیاد ملي براي دفاع از دموکراسي ها (5) (FDD) است؛ تشکیلاتي با وابستگی به دولت های صهیونیستی و ایالات متحده که دارای ارتباط گسترده با افسران سازمان اطلاعات مرکزی امریکا و سرویس های رژیم غاصب است. این تشکیلات کاملاً اطلاعاتي عمل مي کند و تمرکز ویژه ای بر جمهوری اسلامي تحت عنوان «پروژه ایران» دارد.

اطلاعات کاملاً معتبري که اخیراً به دست آمده حاکی است که این تشکیلات ماه ها پیش از اغتشاشات اخیر، در حال فراهم آوردن تمهیداتی براي آن بوده است. از نگاه طراحان امریکایی- صهیونیستی این پروژه، اولاً جنبش ها موفق نخواهند بود مگر اینکه با خشونت همراه باشند. ثانیاً به

پیاده نظامي نیاز است که هیچ خط قرمزي نداشته و حاضر باشند دست

به هر کاری بزنند. من جمله اقداماتی که به عوامل مرتبط ابلاغ کرده‌اند، توهین به ائمه معصومین(ع) و آتش زدن مسجد و قرآن، قتل مامورین نظامی امنیتی و انتظامی، حمله به پاسگاه‌ها و مقرهای نظامی و انتظامی، حمله به روحانیت و... می‌باشد. اما علاوه بر تشکیلات FDD، ده‌ها موسسه پوششی امریکایی و پروژه‌های متعدد دیگر تحت عناوین مختلف در حال فعالیت علیه ایران اسلامی می‌باشند. از قبیل:

- 1- موسسه اعانه ملی برای دموکراسی و نهادهای وابسته نظیر موسسه دموکراتیک ملی و موسسه بین‌المللی جمهوریخواهی
- 2- مرکز امریکایی برای همبستگی کارگران
- 3- بنیاد جامعه باز
- 4- خانه آزادی
- 5- صندوق ژرمن مارشال امریکا
- 6- بنیاد دموکراسی در ایران
- 7- مرکز بین‌المللی برای انتقال دموکراسی

5- زنجیره‌های ارتباط مالی سرشبهه‌های خارجی با مزدوران داخلی
انتقال و توزیع پول بیگانگان بین عوامل مزدبگیر داخلی که متولی پروژه‌های نفوذ هستند به روش‌های مختلف و متنوعی صورت می‌گیرد. تاکنون شیوه‌های گوناگونی کشف و عوامل متعددی بازداشت شده‌اند. به عنوان مثال اخیراً شبکه‌ای شناسایی و بازداشت شد که از «روش تهاتر» با افراد ایرانی متردد به خارج از کشور، همچون دانشجویان و فعالین حوزه ساخت و ساز مسکن سوءاستفاده می‌کرد. در این شیوه، عامل اصلی یا کارگزار وی در یکی از کشورهای همسایه، افراد نیازمند ارز خارجی در کشور مقصد را شناسایی کرده، مبلغ مورد نیاز آنها به همراه پورسانت همکاری را تامین نموده و از آنان می‌خواستند وجه را پس از بازگشت به کشور به حساب تعیین شده (حساب پیاده نظام امریکا) واریز کنند.

در شیوه دیگر، انباشت یا سود برخی از وجوه سرمایه‌گذاری شده در بسترهایی همچون کارگاه‌های خرد، مجموعه‌های مرتبط با بازاریابی شبکه‌ای داخلی، سوءاستفاده از رمزارزها، بهره‌گیری از صرافی‌های غیرمجاز و... را به پروژه‌های امریکایی‌ها در داخل کشور تزریق می‌نمودند. با این شیوه‌ها عملاً مبدا و مقصد وجوه پروژه‌های نفوذ، مخفی شده و کار شناسایی آن دشوار می‌شد. اما به‌رغم اقدامات عوامل CIA برای پیچیده‌سازی ابعاد انتقال وجه به داخل، ردیابی اطلاعاتی - مالی چند لایه در مورد واریزکنندگان و دریافت‌کنندگان وجوه مربوط به پروژه‌ها انجام و نهایتاً تبادلات مالی و اطلاعاتی شبکه‌های یاد

شده شناسایی و عوامل آن بازداشت شدند.

6- شناسایی و سازماندهی شبکه اراذل و اوباش

سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی در سال‌های گذشته از طریق شناسایی اراذل و اوباش متردد به خارج از کشور در مراکز قمار و فساد و فحشاء و ارتباط‌گیری بعدی با آنها در داخل کشور، تلاش‌های گسترده‌ای برای تزریق پول و امکانات، مسلح کردن آنها به سلاح گرم و انواع دیگر تجهیزات، ارایه آموزش به طرق مختلف به منظور توانمند کردن آنان برای عملیات خرابکارانه علیه مراکز و تاسیسات مهم، راه‌اندازی آشوب و تولید خشونت علیه مردم عادی و همچنین نیروهای انتظامی و بسیج به عمل آورده‌اند. متأسفانه حضور پرچم و اقدامات مجرمانه اراذل و اوباش و نو پدیده‌ها در آشوب‌های اخیر کاملاً مشهود و حکایت از سازمانده قبلی داشت. اما پیش از آشوب اخیر، حضور اراذل و اوباش در چندین طرح ترور، عملیات ایذایی، خرابکاری، تهدید و ایجاد وحشت، احراز شده بود که در جملگی موارد به استخدام صهیونیست‌ها، امریکایی‌ها یا گروهک منافقین درآمده بودند و تعداد قابل توجه از آنها بازداشت و بعضاً اعترافات آنها از صدا و سیما پخش گردید (همچون مستندهای وفا و لات مجازی که از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش گردید).

7 - سندیکاسازی و پیوند آنها به یکدیگر

یکی از محورهای اصلی تحرکات زمینه‌ساز سرویس‌های اطلاعاتی دشمن برای وقوع آشوب در کشور، تلاش برای تاثیرگذاری بر اقشار شریفی همچون معلمان، کارگران و دانشجویان از طریق ایجاد گروه‌های جعلی و آلوده و رهبرسازی برای سوءاستفاده این طبقات بوده که هوشیاری، میهن‌دوستی و احساس مسولیت مثال‌زدنی این اقشار ارجمند موجب خنثی‌سازی توطئه‌های بیگانه شده است. ماموران اطلاعاتی و امنیتی کشور بر بسیاری از ابعاد آن قبیل تحرکات اشراف داشته و در مواردی مشارکت مستقیم اتباع بیگانه و مرتبط با سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای اروپایی را در این باره مورد ضربه قرار داده و نتیجه را به استحضار مردم شریف ایران رسانده‌اند (منجمله مستند «داستان يك ماموریت» مربوط به اقدامات مجرمانه دو مامور فرانسوی که اخیراً از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد).

8 - تشدید و ترکیب سیاست فشار حداکثری ترامپ توسط بایدن

دولت کنونی آمریکا علی‌رغم ادعای تغییر راهبرد نسبت به دولت قبلی، عملاً در ادامه مسیر فشار حداکثری ترامپ و با توجه به شکست آن خط‌مشی، به تصریح خود مقامات امریکایی، حوزه‌های نوینی به آن

افزوده است؛ منجمله با حفظ سیاست فشار حداکثري تحريمي، حوزه تاثيرگذاري در درون کشور، قطببازي و تلاش براي از بين بردن بافت اجتماعي قدرتمند مردم ايران را هدف قرار داده است. در اين راستا دولت امريکا که سابقه کودتاهاي ننگين نظامي در ايران را دارد، منابع برنامه‌هايي را که در لفاًفه عناوين پرزرق و برقي چون توسعه دموکراسي و مقابله با تروريسم پيچيده شده افزايش داده و درخواست ارتقاي آن را براي سال مالي 2023 در موضوع ايران دارد. اين برنامه اساساً معطوف به بي‌ثبات‌سازي محيط امنيتي داخل کشور، توسعه نفرت و خشونت و ايجاد ناامني رواني در جامعه ايران است. در اين راستا علاوه بر تقويت و توسعه ساختاري و مالي بخش ويژه در واحد (6) NCS در سازمان اطلاعات مرکزي امريکا، بودجه و منابع انساني حوزه‌هاي شبه مدني در وزارت خارجه در موضوع ايران مانند دفتر اطلاعات و تحقيق، دفتر امنيت بين‌الملل، دفتر مبارزه با تروريسم و دفتر امور خاور نزديک را افزايش داده است که در واقع منابع مالي لايه مياني مذکور را تامين کرده‌اند که در ادامه به برخي از اين بودجه‌ها اشاره خواهد شد.

9- حمايت از گروه‌هاي تروريستي و تلاش براي ائتلاف آنها!

دولت تروريست ايالات متحده در ادوار و دولت‌هاي مختلف خود سابقه رسواي حمايت از خون‌خوارترين گروه‌هاي تروريستي را داشته و دارد. از آن جمله است تضاد رفتاري شگفتانگيز از مرحله قرار دادن نام جانيانِ آلباني‌نشين در ليست سياه تروريستي تا خارج کردن اسم جنایتکاران منافق از آن ليست، حمايت مادي و معنوي از آنها، تا حضور بلند پايگان رژيم مافيائي در اجلاسيه‌هاي نمايشي منافقين! منجمله حضور افراڊي همچون جان بولتون، پمپئو و مايک پنس (مشاور امنيت ملي اسبق رژيم، رييس سازمان سيا و وزير خارجه سابق و معاون اول رييس‌جمهور سابق رژيم دژخيم امريکا) و تعداد فراواني نماينده کنگره و سناتور امريکايي در مقر گروهک تروريستي منافقين در سال‌هاي گذشته. براي سال جاري نيز از رييس‌جمهور سابق و قاتل سردار بزرگ جهان اسلام شهيد حاج قاسم سلیماني براي حضور در جمع کفتارهاي آن گروهک دعوت شده بود که بنا به گفته اعضاي گروهک منافقين، برخي حوادثِ روي داده در آستانه مراسم آنها در کشور آلباني و احتمال وجود تهديد جدي به جان آن قاتل، حضور وي (ترامپ) در آن مراسم منتفي و اصولاً برگزاري مراسم موردنظر آنها لغو گرديد! از همين سنخ است تماس امريکايي‌ها با گروهک جنائيت پيشه و شخص عبدالملك ريگي معدوم در گذشته تا ارتباطات اين روزها با گروهک‌هاي مختلف تروريستي که نام اقوام شريف ايراني کرد، تُرک،

عرب و بلوچ را بر خود می‌نهند اما جملگی آن گروه‌ها، دشمنان آن اقوام عزیز غیور گرامی بوده و تجزیه‌طلبانی هستند که ماموریت امریکا و اذنازش را دنبال می‌کنند.

بخش دوم) مرحله حین آشوب‌ها

در بخش اول به اختصار بخشی از تمهیدات ائتلاف شیطان بزرگ برای آماده‌سازی قبلی و زدن جرقه آشوب‌ها مورد اشاره قرار گرفت. در این بخش نیز صرفاً به گوشه‌ای دیگر از خباثت‌های آن ائتلاف و البته در حدی که ملاحظات امنیتی اجازه می‌دهند، اشاره می‌شود. شاید در آینده با کاهش محذوره‌های مذکور تشریح مبسوطی از برنامه‌های حریف به عمل آید:

1- بودجه ویژه فضای سایبر در زمان آشوب

طبق اطلاعات کاملاً موثق، سازمان CIA علاوه بر بودجه سالانه اختصاص داده شده برای سازمان‌های سابق اشاره، اخیراً و پس از آغاز آشوب‌ها در ایران، بودجه کمکی معادل حدود 53 میلیون دلار دیگر، با ترک تشریفات اداری- مالی در دو مرحله به آن سازمان‌ها اختصاص داده و توصیه کرده است که این بودجه در درجه اول برای امور به اصطلاح رسانه‌ای و تقویت ابزارهای اینترنتی به منظور حفظ ارتباط با آشوبگران هزینه شود!

2- اقدامات امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های فناوری و رسانه

در ماه‌های گذشته اجرای عملیات‌های گسترده علیه امنیت روانی مردم ایران در قالب کمپین‌های گسترده سیاسی و اجتماعی، حوزه‌ای از تلاش‌های سرویس اطلاعاتی امریکا برای فشار بر مردم ایران بود. راه‌اندازی جنگ اطلاعاتی و شناختی با عاملیت نهادهای اطلاعاتی و نظامی مانند سیا، سایبرکام و سنتکام، امروز در خود امریکا نیز هیاهو به راه انداخته است. به طوری‌که افشای بخش کوچکی از عملیات فریب‌سایبری گسترده امریکا علیه افکار عمومی ملت ایران، باعث شد تا واکنش‌های مقامات امریکایی را برانگیزد و حتی پس از آن برخی رسانه‌های امریکایی تلاش کردند تا برای درزگیری از رسوایی به وجود آمده برای دولت امریکا از سطح و گستره عملیات‌های ننگین انجام شده بکاهند، البته خود میدانند که پرداختن بیشتر به این موضوع و افشای ابعاد بیشتر آن و نهایتاً اعتراف به شکست‌های تحمیل شده، هزینه‌های این سرویس‌ها را به شدت افزایش خواهد داد.

ردیابی، شناسایی، ضربه و افشای چند صد هزار حساب کاربری قلبی فارسی‌زبان که با توسل به اخبار جعلی و بزرگ‌نمایی مشکلات و

کوچک‌نمایی دستاوردها، به طور ناشیانه‌ای اقدام به تولید میلیون‌ها پیام و محتوای گمراه‌کننده برای فریب مخاطبین فارسی‌زبان می‌کردند، ناکارآمدی توان عملیاتی دست‌اندرکاران این پروژه‌ها را به کارفرمایان امریکایی خود اثبات کرد. هدف پنهانی این کمپین‌ها ترویج تنفر در جامعه ایرانی و ایجاد رفتارهای خشن قطبی بود. افزون بر این، تامین مالی و شبکه‌سازی کنشگران اجاره‌ای ضدانقلاب برای اجرای جنگ شناختی علیه مردم ایران از طریق آنچه که «مرکز تعامل جهانی» (7) (GEC) نامیده‌اند، نمونه‌ای از فعالیت‌های ضربه خورده دیگر امریکا در این حوزه بوده که تحت اشراف قرار گرفته است. امریکایی‌ها در عرصه فناوری و فعالیت‌های رسانه‌ای با عنایت به افزایش اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی و مرجعیت خبری آنها، عملیات‌های تاثیرگذاری و جنگ ترکیبی بزرگی علیه مردم مظلوم ایران در فضای سایبر به راه انداختند که ذیلاً مواردی به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرند:

1/2- توییت‌ر

توییت‌ر به دستور رژیم امریکا، میدان نبرد و جنگ رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران را با نادیده گرفتن همه قوانین بین‌المللی و دستورالعمل‌های فنی و حقوقی توییت‌ر، به سود دشمنان ایران هموار کرد تا پیاده نظام اجاره‌ای و ضدانقلاب خارج‌نشین به هدایت سرویس‌های اطلاعاتی و با ساختن هزاران کاربر جعلی (ربات) و انتشار اخبار هدفمند و دروغ، افکار عمومی را در ایران و جهان فریب دهند. براساس پایش توییت‌ر فقط در بازه زمانی 20 شهریور 1401 تا 20 مهر 1401 بیش از پنجاه هزار کاربر جدید فارسی‌زبان با هویت‌های جعلی در توییت‌ر ساخته شده است تا بر علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت کنند. این در حالی است که پیش از آن ماهانه حداکثر در حدود چهار هزار کاربر فارسی‌زبان در توییت‌ر ایجاد می‌شده است. همچنین توییت‌ر با حداقل ده برابر کردن ظرفیت انتشار پیام برای هر کاربر در ساعت و لغو بسیاری محدودیت‌های دیگر، نهایت سعی خود در کمک به بزرگنمایی و برجسته‌سازی اخبار جعلی و تشدید جنگ ترکیبی علیه جامعه فارسی‌زبان در سراسر جهان را اعمال کرد.

فراوانی این اقدامات موجب شد برخی جناح‌های سیاسی امریکا نسبت به این موضوع احساس خطر کرده و در گزارش‌های متعدد مانند گزارش CNN با عنوان «کمپین دستکاری هماهنگ» به تخلفات توییت‌ر از قوانین اعتراض نمایند!

2/2- اینستاگرام

در پرده‌ای دیگر شرکت متا، مالک اینستاگرام و واتساپ نیز مشابه تویتر، تمام قوانین بین‌المللی و قوانین رسمی خود را در مقطع اغتشاشات ایران زیر پا گذاشت و با اقداماتی از قبیل دستکاری عمده الگوریتم‌های هوش مصنوعی باعث شد اخبار جعلی، موارد نفرت‌افکنی و اقدامات خشونت‌آمیز با شدت بسیار زیاد برای جامعه ایرانی به صورت هدفمند منتشر شود. همچنین این شرکت همانند تویتر به دستور سرویس اطلاعاتی امریکا، با حمایت همه‌جانبه از صفحه‌های دروغ‌پراکنندگان انقلاب‌خیز و مزدوران سعودی و با پر تعداد نشان دادن مخاطبین اخبار و اطلاعات این صفحات مانند صفحه رسمی نارسانه سفارشی کار موسوم به ایران اینترنشنال، سعی در ایجاد خطای محاسباتی در ذهن مخاطب ایرانی نمود. اینستاگرام با برانگیختن احساسات جامعه ایرانی خصوصاً جوانان و نوجوانان سعی در ایجاد ناامیدی، بالا بردن سطح خشونت و ایجاد شکاف اجتماعی در لایه‌های مختلف جامعه داشت و با اجرای عملیات تاثیرگذاری سایبری بر افکار عمومی، کاربران ایرانی این فضا را مورد حملات شناختی قرار داد. یکی از معروف‌ترین شگردهای این جنگ شناختی، «اجاره انسان رسانه‌ها» نام دارد. در این روش، دشمن برخی از حساب‌های کاربری معروف در اینستاگرام و دیگر شبکه‌های اجتماعی امریکایی مربوط به چهره‌های معروف (سلبریتی‌ها) که دارای دنبال‌کنندگان میلیونی هستند را برای مدتی اجاره می‌کند و با انتشار اطلاعات جعلی یا جهت‌دار، از هویت آن چهره‌ها برای باورپذیری مخاطب سوءاستفاده می‌کند. بر اساس اطلاعات موثق در اغتشاشات ایران برخی از انسان رسانه‌های مقیم آلمان و امارات حساب‌های کاربری خود را به طور کامل به عوامل شناخته شده سرویس اطلاعاتی امریکا اجاره دادند!

جامعه فهیم ایرانی سانسور تصاویر سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی را در این شبکه‌های اجتماعی امریکایی فراموش نکرده است و جای این سوال وجود دارد که ابلاغیه مربوط به سانسور، محدودسازی و اجرای آن را کدام تشکیلات اطلاعاتی به این شرکت‌ها داده است و آنها چه دلیل قانع‌کننده‌ای برای این رفتار دوگانه و حمایت همه‌جانبه از اغتشاشگران برای افکار عمومی جامعه ایرانی دارند؟

2/3- استارلینک

اگر چه آزادی دسترسی به اینترنت یکی از شعارهای دروغین لیبرال دموکراسی غرب است و آنها مدعی هستند که اینترنت آزاد باید در دسترس همگان باشد اما بسیاری از خدمات اینترنتی و نرم‌افزارهای مفید برای جامعه جهانی و مردم ایران توسط دولت امریکا مسدود شده است. این مدعیان دروغین آزادی با رایج‌سازی اینترنت‌های خارج از

حاکمیت کشورها مثل استارلینک که طبق قوانین بین‌المللی باید با نظارت و رضایت کشور میزبان آرایه شود، سعی در گسترش دیکتاتورهای اینترنتی آمریکا را دارند. مصداق روشن این تضاد رفتاری علاوه بر موارد فوق‌الذکر، اقدام دولت آمریکا مبنی بر انسداد و محدودیت خدمات رسانی ابزارها و فناوری‌های ارتباطی و اینترنتی غیرآمریکایی در آمریکا می‌باشد.

کارگزاران دولت مافیایی آمریکا در اقدامی مداخله‌جویانه به شرکت استارلینک دستور دادند بدون رعایت ضوابط و مقررات بین‌المللی و بدون دریافت مجوزهای لازم در ایران، برای دسترسی اغتشاشگران، اینترنت غیرقانونی آرایه دهد. همزمان سرویس‌های اطلاعاتی دشمن نیز ظرفیت‌های مختلف خود برای قاچاق تجهیزات غیرقانونی این شبکه به داخل کشور را فعال کردند.

2/4- حملات سایبری

حملات سایبری رژیم مافیایی آمریکا و دست‌پروردگان و مزدبگیران آن مقوله مبسوطی است که به بحثی جداگانه نیاز دارد. اما صرفاً به عنوان نمونه، به ده‌ها گروه هکری که وابستگی آنان به آمریکا محرز است می‌توان اشاره کرد که با حملات هدفمند چه به صورت حملات منع سرویس (DDOS) و چه نفوذ و از کار انداختن خدمات و روش‌های دیگر تلاش داشتند تا ضرباتی بر روند عادی کشور وارد نمایند که با تدابیر اتخاذ شده، در بسیاری حملات، از شیطنت‌های آنها پیشگیری به عمل آمد. حمله به سامانه‌هایی که خدمات عمومی و مردمی آرایه می‌دهند، هدف مشخص و تعریف شده آنهاست؛ چنان‌که در حمله به سامانه سوخت کشور در سال گذشته، حمله به سامانه‌های شهرداری تهران و حمله به سامانه‌های سرویس مدارس نشان دادند که ایجاد مزاحمت برای مردم هدف اصلی آنها بوده است. در مقطع اغتشاشات نیز ده‌ها حمله هکری به سازمان‌های خدمات‌دهنده به مردم به عمل آمد که با تدابیر دستگاه‌های ذی‌ربط، خنثی شدند.

اقدامات رژیم دژخیم آمریکا در عرصه فناوری و رسانه به این چهار محور خلاصه نمی‌شود و خباثت‌ها و مزاحمت‌های آن رژیم مقوله گسترده‌ای است که در فرصت مناسب به آن پرداخته خواهد شد.

3- حضور تیم سازمان سیا در مقر گروه‌های ضدانقلاب

در تاریخ 29/06/1401 تیمی از C.I.A با پوشش وزارت خارجه آمریکا، با حضور در مقر گروه تجزیه‌طلب موسوم «به حزب دموکرات کردستان ایران» در شهر اربیل کردستان عراق با سرکرده آن گروه به نام مصطفی هجری دیدار و گفت‌وگو کرد. تیم سازمان جاسوسی آمریکا ضمن تقدیر از ادغام دو جناح گروه، از آنها می‌خواهند که در اغتشاشات

رخ داده در برخی شهرهای کردستان ایران، بیش از این ایفای نقش نمایند. در این نشست، طاهر محمودی، کمال کریمی، محمد نظیف قادری و محمد صالح قادری، سرکرده گروهک را همراه می‌کردند. شایان ذکر است که در گذشته نیز سازمان سیا، مصطفی هجری و عبدالله مهتدی (سرکرده گروهک کومله) را به امریکا فراخوانده و به آنها ابلاغ نموده بود که باید با یکدیگر ادغام شوند و الاً کمک‌های مالی و تسلیحاتی رژیم مافیایی امریکا به هر دو گروهک قطع خواهد شد! در اجرای آن دستور و به عنوان گام اول، دو جناح انشعابی حزب منحل موسوم به دموکرات کردستان ایران در تابستان گذشته با یکدیگر ادغام شدند و در حال فراهم آوردن زمینه برای ادغام با گروهک کومله بودند که با افشاگری رسواکننده وزارت اطلاعات پیرامون وابستگی کومله به رژیم کودکش صهیونیستی مواجه شدند (اطلاعیه پنجم مرداد ماه روابط عمومی وزارت اطلاعات و مستند «عملیات بزرگ» که اخیراً از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد) و لذا مجبور به تعویق برنامه دستوری ادغام دو گروهک خائن و وابسته به بیگانگان شدند.

4- دیدار تیم امریکایی از مقر گروهک موسوم به پاک

در تاریخ 1401/7/15 هیات سازمان جاسوسی امریکا به صورت پنهان و در هتل دیوان اربیل با سرکرده گروهک پاک به نام حسین یزدان پناه ملاقات و به بررسی آخرین وضعیت گروهک پس از موشکباران مقر آن توسط دلاورمردان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پرداختند. آنها به وی قول کمک‌های بیشتر و امید دادند تا زودتر اوضاع گروهک را ترمیم و به صحنه مبارزه با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برگرداند. سپس تیم C.I.A برای دادن روحیه به گروهک درهم پاشیده، به همراه حسین یزدان پناه و همسرش (هامینو) از زخمی‌های موشکباران فوق‌الاشاره در بیمارستانی در اربیل عیادت کردند. همچنین کارشناسان نظامی همراه هیات امریکایی از محل اصابت موشک‌های رزمندگان اسلام در مقرهای مختلف ضدانقلاب بازدید نمودند تا توان و دقت تخریب موشک‌های سپاه مقتدر اسلام را ارزیابی نمایند.

5- شبکه‌های ماهواره‌ای سفارشی‌کار

جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی که از قدیم یکی از مهم‌ترین ابزارهای استکبار جهانی برای استعمار و غارتگری و جنگ روانی و تحریف واقعیت‌های جهان به نفع غارتگران و علیه ملل ستمدیده بود، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و با پیوستن بازماندگان رژیم ساقط شده پهلوی و فراریان گروهک‌های تروریستی چپ و راست و منافق و فرقه‌های

منحرف و سایر فراریان سابقه‌دار به جریان مسلط رسانه‌ای صهیونیستی، صورت و سیرتی دیگر پیدا کرد. جریان سلطه ضمن فراهم آوردن به‌روزترین امکانات و تکنولوژی رسانه‌ای (البته به هزینه گاو شیرده سعودی و امثالهم) و اعمال فرمانده واحد رسانه‌ای بر آنها، به خط‌ده آمرانه و بهره‌برداری استعمارگرانه از این نارسانه‌ها پرداخت.

اگرچه جمهوری اسلامی ایران در طول تاریخ پرافتخار خود و به ویژه در مقاطع بروز برخی رویدادهای سال‌های گذشته همیشه با آوازه‌گری‌های مزورانه این نارسانه‌ها مواجه و با شیوه‌های آنها آشنا بوده است؛ اما بی‌شک در جریان اغتشاشات اخیر، «بزرگ‌ترین عملیات تاثیرگذاری» و به عبارت دیگر «جنگ جهانی رسانه‌ای» علیه ملت سرافراز ایران طراحی و اجرا شد. علاوه بر سوژه‌سازی از هر پدیده طبیعی و مصنوعی و آوازه‌گری هم‌نوای شبکه‌های مژدور فارسی‌زبان، موج سواری روی نارضایتی و خلق نارضایتی‌های سفارشی با جعل و روایت‌سازی دروغین از رویدادها، تبدیل نارضایتی به اعتراضات اجتماعی، دیگرگون نمودن اعتراضات اجتماعی به سیاسی، تغییر جهت آنها به اعتراضات ساختاری و درنهایت تبدیل‌جملگی آنها به اغتشاش و شورش و جنگ خیابانی و... این همان دستورالعملی است که شبکه‌های مذکور در اغتشاشات اخیر دنبال کردند. طرفه آنکه شبکه‌ای همچون بی‌بی‌سی که از قدمتی دیرینه برخوردار است و قاعدتا پیرامون شؤون حرفه‌ای خویش باید حساس باشد، با چرخشی گسترده و تغییر کامل برنامه‌های عادی و روزانه خود و گذشتن از دیگر اخبار مهم جهانی، عملاً به مرتبه «صحنه‌گردانی عملیاتی اغتشاشگران خیابانی» تبدیل شد. همچنین است رسوایی شبکه‌های هم‌تای آن، اینترنشنال سعودی که علاوه بر موضوع پیش‌گفته، رسماً به خط تجزیه ایران مقتدر و یکپارچه روی آورد و درنهایت صراحتاً از تجزیه‌طلبی و تجزیه‌طلبان حمایت نمود.

چنین چرخشی در شبکه‌های مژدور و چنین هزینه‌حیثیتی بالایی نمی‌تواند صرفاً ناشی از یک ارزیابی اشتباه از موقعیت توسط آن شبکه‌ها باشد، بلکه قطعاً مبتنی بر «یک راهبرد تازه، یک طرح بزرگ و یک بسته اطلاعاتی- عملیاتی» است که در سطوح بالایی رژیم‌های آمریکا و انگلیس اتخاذ شده و به این نوکران سفارشی‌کار ابلاغ شده است.

در وقایع اخیر سناریوهای نخ‌نمای «کشته‌سازی» و ادبیات تکراری اعتراف اجباری و خشونت سیستماتیک و نیز عوض کردن جای‌جلاد و شهید و ده‌ها شگرد شناخته‌شده دیگر، با شیوه‌های یکسان اما با حجمی صدها برابر بیش از وقایع گذشته، نه تنها حیثیت نداشته شیپورهای انگلیسی، امریکایی و گاو‌ان شیرده آنها را بر باد داد، بلکه کلیه

موازين حرفه‌اي و بين المللي را نيز درنورديد و سابقه مبتدلي بر سوابق سپاه آنها افزوده شد كه پيگرد حقوقي آنها و پياده نظام فراري نارسانه‌هاي يادشده در دستور كار قرار دارد.

بخش سوم) مرحله پسا آشوب

در يك ماه و نيم گذشته، دشمن امريكايي و هم‌پيمانان خبيث و پياده نظام مزدور و نارسانه‌هاي سفارشي‌كار آنها، يقينا با كل توان خويش وارد عرصه جنگ تركيبي تمام عيار و بزرگ‌ترين عمليات تاثيرگذاري با نظام مقدس جمهوري اسلامي شدند. براي جامعه اطلاعاتي پرافتخار كشور كه شبانه‌روزي و لحظه به لحظه تحركات ائتلاف شيطان بزرگ را تعقيب مي‌كردند، كمترين ترديدي وجود ندارد كه حريف كل سناريوهاي جنگ نرم و تركيبي و عمليات تاثيرگذاري خويش را با همه توانمندي‌هاي قشون خود و هم‌پيمانان، وارد صحنه نبرد با ملت مقاوم و سرافراز ايران اسلامي كرد. اذعان داريم كه دشمن مزاحمت ايجاد نمود، خسارت وارد كرد، تعدادي از جوانان اين مرز و بوم را به خاك و خون كشيد، اما با اتقان كامل مي‌گويم او نتوانست به هيچ يك از اهداف اصلي از پيش تعيين شده خود دست يابد. اين ارزيابي مستدل و قطعي ماست كه از قضاي روزگار، دشمن امريكايي و انگليس خبيث نيز بدان اذعان دارند اما جرات و جسارت اعتراف آشكار به آن را ندارند. جامعه اطلاعاتي كشور، با الطاف الهي و عنايات اهل بيت عصمت و طهارت (عليهم‌السلام) به ارزيابي داخلي سازمان‌هاي جاسوسي امريكا و انگليس دسترسي يافته است كه صريحا دربردارنده آن اعترافات، هم در پيرامون شكست سناريوهاي مجمع شياطين و هم در باب اذعان به ريشه‌دار بودن «درخت تناور ايران اسلامي» و در قبول اقتدار غيرقابل انكار «ايران قوي» مي‌باشند. امروز مصالح اطلاعاتي و امنيتي به ما اجازه نمي‌دهند كه عين ارزيابي‌هاي اردوگاه سلطه را افشا كنيم. اما شايد در آينده، محذوره‌هاي كنوني رفع و امكان بر ملا كردن آن گزارشات فراهم گردد؛ كه در آن صورت طبل رسوايي دشمنان امريكايي، انگليسي، صهيونيستي از بام فلك بر زمين خواهد افتاد.

علاوه بر دشمني‌هاي گذشته و جاري، رژيم امريكا در تلاش است تا سياست فشار حداكثري تركيبي را عليه ملت شريف ايران در سال آتي ميلادي نيز اعمال كند و بودجه‌هاي متعددي را بر پايه توهमत خود براي اين منظور در نظر گرفته است. وزارت خزانه‌داري امريكا به اتفاق بخش‌هاي مختلف در جامعه اطلاعاتي و وزارت امور خارجه آن رژيم، ظرفيت انساني و مالي بيسابقه‌اي را براي ايجاد فشار بر ايران اسلامي در قالب بسته‌هاي تحريمي به كار گرفته است. علاوه بر سياست فشار حداكثري، ده‌ها پروژه به منظور بي‌ثبات‌سازي محيط

داخلی ایران در قالب‌های گوناگونِ مذکور در نظر گرفته و صرفاً برای یکی از پروژه‌های مذکور که در این راستا طراحی شده ۵۵ میلیون دلار تخصیص داده شده است. آژانس رسانه‌های جهانی آمریکا که یکی از شکست‌خورده‌ترین بخش‌های سیاست نفوذ آمریکا در پوشش دیپلماسی عمومی است و بودجه ۸۴۰ میلیون دلاری دارد صرفاً برای مقابله رسانه‌ای و عملیات روانی علیه مردم ایران مبلغ ۳/۱۳۱ میلیون دلار در نظر گرفته است. این پروژه‌ها صرفاً معطوف به عملیات روانی علیه مردم داخل کشور نیست؛ یکی از برنامه‌های آتی رژیم آمریکا تخریب وجهه ملت ایران در میان ملت‌های دوست و همسایه و در نتیجه تضعیف سیاست‌های ثبات‌ساز جمهوری اسلامی ایران در منطقه و انتقال ناامنی‌های پیرامونی کشور به داخل است، به طوری‌که در جهت تحقق آن، بودجه اختصاصی تعریف کرده و برای دفتر متولی این امور ۳۵۳ میلیون دلار در نظر گرفته است.

جالب توجه است که دفتر تحقیق و اطلاعات وزارت امور خارجه آمریکا برای مقابله با نفوذ قدرتهای خارجی در داخل آمریکا ۸۷ میلیون دلار بودجه و ۳۹۴ نفر نیروی کارشناس اختصاص داده است. این دفتر که یکی از اعضای جامعه اطلاعاتی آمریکا محسوب می‌شود، با سوءبرداشت نسبت به وضعیت حاکم بر جامعه قطبی شده آمریکا و تبعیض‌های سیستماتیک در آن، ریشه این مشکلات را در نفوذ سایرین در محیط سیاست داخلی خود جست‌وجو می‌کند و برای موضوع ایران بودجه و پروژه مستقل تعریف کرده است. علاوه بر این موارد دولت جنایتکار آمریکا که تنها استفاده‌کننده از سلاح کشتار جمعی هسته‌ای در طول تاریخ بوده و هم‌اکنون نیز از رژیم صهیونیستی (دارنده تسلیحات هسته‌ای بدون نظارت هیچ نهاد بین‌المللی) حمایت می‌کند، برای به اصطلاح مقابله و از بین بردن ظرفیت هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و فشار بر برخی دیگر از کشورها مبلغ ۲۹۵ میلیون دلار در نظر گرفته است.

این موارد صرفاً بخشی از بودجه‌ها و امکاناتی است که رژیم تروریست آمریکا برای تضييع حقوق ملت بزرگ ایران تحت عناوین مختلف وضع کرده است و ظرفیت‌های مختلف دیگری را نیز در قالب‌های پنهان و غیررسمی اختصاص داده که هدف اصلی آن حمایت پنهان از عناصر تولید ناامنی و آشوب در داخل کشور و زنده نگه‌داشتن کورسوی آتش اغتشاشات است.

طبق اطلاعات معتبر، پس از سیر نزولی یافتن پروژه اغتشاشات، کانال‌های منتهی به ائتلاف شیطان‌ی، به پیاده نظام خود ابلاغ کرده‌اند تا آمادگی خویش را حفظ و محورهای ذیل‌الذکر را به عنوان خطوط اصلی اقدامات مورد تاکید قرار داده‌اند:

۱- تقویت ابزارهای مخرب تاثیرگذاری از طریق فضای سایبر به هر

- شکل ممکن و از هر طریقی (شبکه‌های اجتماعی امریکایی به مثابه سلاح استراتژیک).
- ۲- علاوه بر مقامات امریکایی و انگلیسی، با دولتمردان سایر کشورهای اروپایی نیز ارتباط برقرار کرده و تلاش نمایند آنها را در این پروژه دخیل نمایند.
- ۳- حفظ آهنگ تخریبی نارسانه‌های فارسیزبانِ عمدتاً لندن-سعودی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.
- ۴- تحریک به اعتصاب در صنایع مختلف به‌ویژه در صنایع نفت و گاز با هدف قطع درآمدهای نفتی و نیز فلج کردن حمل و نقل کشور.
- ۵- دامن زدن به اعتصاب مغازه‌ها و بستن بازارهای کشور با هدف فشار بر مردم و افزایش نارضایتی و نهایتاً پیوند اعتصابات مختلف به یکدیگر.
- ۶- تاکید ویژه بر کشته‌سازی از طریق انتساب هر قتل و حادثه‌ای به نیروهای امنیتی و انتظامی، یا هدف قرار دادن اغتشاشگران در صحنه توسط تروریست‌های اجاره‌ای و انتساب آنها به نیروهای نظام یا بهره‌گیری از سایر روش‌ها.
- ۷- هر اتفاق طبیعی و مصنوعی باید به سمت یک اغتشاش سیر کند و نیز هر اعتراض مدنی به شورش‌های خونین تبدیل شود.
- ۸- به تعطیل کشاندن مدارس و دانشگاه‌ها.
- رژیم دژخیم امریکا نه پیشینه درخشانی دارد که به اعتبار تاریخش اکنون صلاحیت دخالت در عرصه‌های جهانی را دارا باشد و نه آینده‌ای که به امید آن، در اندیشه حکمرانی جهانی در آینده باشد. در باب گذشته امریکا، شالوده مافیایی آن رژیم بر غصب سرزمین بومیان و قتل و نابودسازی حرث و نسل صاحبان آن مملکت شکل گرفته و پس از آن با ربایش و اسارت سیاه‌پوستان آفریقایی و استثمار شیره‌جان آنها و اعمال بزرگ‌ترین، عمیق‌ترین و بی‌سابقه‌ترین تبعیض نژادی در طول تاریخ و پهنه جغرافیا، گرد آمدن قسیمی‌ترین و حرفه‌ای‌ترین جانیان جهان در آن جغرافیا، تشکیل گسترده‌ترین دولت متشکل از حرامیان سرگردنه‌های جهان، تنها به کار برنده سلاح‌های هسته‌ای در دنیا، عامل کودتاهای متعدد و خونین در پهنه گیتی، عامل مستقیم و غیرمستقیم خونبارترین جنگ‌های روی زمین، بانیان آشکار تروریسم رسمی و دولتی در عرصه بین‌المللی آن‌هم بنا به شهادت سردار بزرگ جهان اسلام حاج قاسم سلیمانی، بزرگ‌ترین سازنده و دلال تسلیحات کشتار جمعی، خالق جنایت‌کارترین تروریست‌های آدم‌خوار همچون داعش و گروهک‌های تکفیری هم‌سنخ آن، حامی پرسابقه‌ترین و خائن‌ترین تروریست‌های جهانی از نوع تروریست‌های آلبانی‌نشین با حداقل ۱۲۰۰۰ قربانی، پشتیبان

خونریزترین و بدویترین رژیم‌های روی زمین همچون رژیم آل سعود، بزرگ‌ترین و صریح‌ترین استعمارگر جهان که در روزگار کنونی هم صریح و آشکار و با صدای بلند، دولتِ فرومایه تحت استعمار خود را «گاو شیرده» می‌خواند، نمادِ توحشِ به‌روز شده و جاهلیتِ مُدرن و بالاخره رژیم ایالات‌متحده به عنوان عصاره همه پلیدی‌های اهریمنی که به درستی و دقت و حکمت توسط حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران به صفت «شیطان بزرگ» متصف شد؛ اکنون این جُرثومه همه زشت‌خویی‌ها برای ملت سربلند ایران ابراز نگرانی می‌کند، در عین حال تنها آرزویی که برای این ملت مستغنی می‌نماید، استفاده از شبکه‌های اجتماعی امریکایی است و بس!

و اما در پیرامون آینده، سردمداران رژیم امریکا خوب می‌دانند که «آن سبو بشکست و آن پیمانہ ریخت». مطلع هستند که از سال‌ها پیش نظم نوینی در حال شکل‌گیری است که سردمداری آن رژیم در این نظام تنها در حد وهم و خیال و در عوالم مجاز امکان‌پذیر است، در همان فضایی که اخیراً خود و پیاده نظام‌شان، به کرات نظام جمهوری اسلامی را در آن ساقط کردند؛ در فضای مجازی! همچنان‌که پیشینیان آنها در ۴۳ سال گذشته و در فواصل شش ماهه، ۸۶ بار حاکمیت ایران را جابه‌جا کردند! جمهوری اسلامی ایران همان درخت تنومندی است که رهبر حکیم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) اخیراً توصیف کردند. درختی که حوادث زمانه نه تنها گزندی متوجه آن نکرده است بلکه هر رویدادی، ریشه آن را عمیق‌تر، تنه‌اش را نیرومندتر و سایه‌اش را گسترده‌تر کرده و «ایران قوی» را آفریده است که به اذن الهی، روز به روز در حال قوی‌تر شدن خواهد بود.

حوادث اخیر کشور نیز بیش از همه، عنایات خداوندی به این آب و خاک را نشان داد؛ «پروژه ویران‌سازی ایران» شکست مفتضحانه‌ای خورد. همان پروژه‌ای که قبلاً در افغانستان و عراق و سوریه و یمن و لیبی پیاده کردند، اما در ایران قوی شکست سختی خورد. طبیعی است که به انتقام‌گیری از ملت سرافراز و مقاوم ایران روی آورند و بدیه است که بلافاصله، دست‌پروردگان داعشی و تروریست‌های تجزیه‌طلب را وارد میدان نمایند؛ اما با عنایات صاحب اصلی این ملک و ملت، حضرت ولیعصر ارواحنا فداه و عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، کل توطئه‌ها به سوی آنها برخواهند گشت ان شاء الله. همچنین آن اغتشاشات رشد و درک و فهم و بصیرت ملّتی فرهیخته را یکبار دیگر به نمایش گذاشت که باید قدردان این ملت عظیم‌الشأن بود و سربازان گمنام امام زمان (عج) به نوبه خویش در برابر این ملت تعظیم می‌نمایند. رهبری‌های داهیانہ فرمانده معظم کل قوا (مدظله العالی) را یکبار دیگر به پیش چشمِ دوست و دشمن آورد. انسجام درونی هر چه

بیشتر جامعه اطلاعاتی کشور و همراه و همدلی و همکاری آنها را برای آینده بیشتر و نزدیکتر کرد.

اما در باب گروه‌ها و پیاده‌نظام شیطان و اغتشاشگران، قصد بر ادامه شناسایی و تعقیب آنها تا آخرین نفر است که این روند هم‌اکنون جریان دارد و البته راه هم برای افراد فریب‌خورده و نادم باز گذاشته شده تا خود را معرفی و شامل تخفیف در مجازات شوند.

و نهایتاً در پیرامون دشمنان اصلی، جنایات آنها در وقایع اخیر فراموش یا بخشوده نخواهد شد و این وعده قرآن کریم است که: «اِنَّ زَلَّ السَّاعِدِ مِنَ الْمَجْرِمِ مِثْلَ نَسْتِ السُّجُودِ» (۹).

والسلام علی من اتبع الهدی

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۷/۰۷